

میدون و سوفیا

۶راه‌هایی!



یوریا عالمی

• از ما می‌پرسند حالا که اوضاع این‌طوری شده و وزاری اقتصادی هم جاخالی دادند و گفتند کاریش نمی‌شود کرد، باید چه‌کار کنیم؟ و اصولا اگر وزاری اقتصادی بگویند نمی‌شود کاری کرد ما باید چه‌کار کنیم؟

پاسخ‌های ما

- در این وضعیت اقتصادی یک قابلمه بخريد و توش يك تکه دنبه، يك گوجه، يك سیب‌زمینی و يك مشت ادویه و نمک و فلفل بپزید. بعد از چهار ساعت در قابلمه‌ را برمی‌دارید و متوجه می‌شوید وضعیت مملکت همان است که بود و گوشت هنوز کیلویی ۸۰ هزار تومان است. جاش دیزی شما آماده است و حالش را ببرید.
- اگر ساکن استان‌های غربی یا جنوبی هستید، تنها راه سیب و هلو است. قلیان را چاق کنید و دودش را فوت کنید توی آلودگی هوا.
- حالا که قیمت دلار مثل کش تبنان در رفته است، پاچه تبنان را بالا زده و پای محترم را در تشت آب سرد بگذارید. ممکن است پا در تشت آب قیمت دلار را درست نکند، اما برای تمدد اعصاب مفید است.
- روزنامه بخريد، به‌خصوص روزنامه «شرق» را و به‌خصوص صفحه آخر را که ستون منور بنده اینجاست. ممکن است آنچه را که می‌خواهید در روزنامه نباشد، اما آنچه را که می‌خواهید می‌توانید در روزنامه بیچید.
- حالا که دور، دور آقازاده‌هاست، شما هم اگر زیر بار زندگی زاینده‌اید، خود را پدر آقازاده فرض کنید که زاینده است. از لحاظ ذهنی کمک می‌کند.
- عاشق شوید. عشق باعث می‌شود آدم پادش برود دنیا دست کیست، مثل بنده که عاشق سوفیا هستم و یادم می‌رود که بابای سوفیا چه آینه دقی است.

اتفاق

مطالبه و صدای خاموش جامعه

• قرار است امروز دیدار جامعه‌شناسان با رئیس‌جمهور روحانی برگزار شود. عده‌ای از آنان که به نشست دعوت نشده‌اند از شبکه‌های اجتماعی استفاده کرده‌اند تا صدای خود را برسانند. هرچند حسن روحانی قبل‌تر در سخنرانی خود در دانشگاه گفته بود هم در جریان تغییر قیمت‌هاست و هم در شبکه‌های اجتماعی حضور نامحسوس دارد و می‌داند که چه اتفاقی‌ها و خواسته‌هایی دارد. به نظر می‌رسد این دیدار نیز در راستای دیدار با اقتصاددانان است که به‌تازگی برگزار شده بود. هرچند نکته‌ای که درباره دیدار اقتصاددانان مطرح می‌شود، بحث دست‌چین‌شدن و عدم حضور منتقدان دولت است. به نظر می‌رسد این‌بار نیز نقد دولت چندان اولویت نداشته است. در شبکه‌های اجتماعی آمارها، نکته‌ها و هشدارهایی درباره مسائل مبتلابه و روزمره و مطالبات مطرح شده است؛ مثلا سمیه توحیدلو، از پژوهشگران اقتصادی، اجتماعی نوشته است: «متأسف خواهم شد برای جامعه‌شناسانی که انتخاب شده‌اند مقابل رئیس‌جمهور بنشینند، اما کلام محوری آنها کالاهای سرمایه اجتماعی نباشد. جامعه‌شناسی که نهاد علم را نبیند، دردسرهاى نهاد علم را نشناسد، پشت مجموعه دانشجویانی که بی‌دلیل هزینه داده است نباشد. مطالبه‌کننده خوبی نیست. یادشان نرود که اغلب دانشجویان دارای احکام سنگین دانشجویان جامعه‌شناسی بوده‌اند».دیگری نوشته است: «مسائل اجتماعی متعددی در ایران داریم که دولت آنها را نمی‌بیند یا نمی‌خواهد ببیند. آنها که همیشه هستند و صدایشان شنیده می‌شود، مسائل خاصی را تکرار می‌کنند که لزومی به بازطرحشان نیست. پژوهشگران علوم اجتماعی می‌توانند واقعیت پنهان و صدای خاموش را بازنمایان کنند. مسئله محبط زیست، آموزش کودکان، فقر، اعتیاد و... بخشی از مسائل جدی جامعه هستند که دولت‌ها برای تبلیغات به آنها می‌پردازند و عملکردها در قبال آنها با گفتار فاصله بسیاری دارد».دیگری اما امیدوارتر است و می‌نویسد: «جامعه‌شناسی سال‌هاست می‌گوید چطور کالایی‌شدن، خصوصی‌سازی، موقتی‌سازی، مقررات‌زدایی و در یک کلام سیاست‌های بازارآزادی، نه‌فقط اقتصاد، بلکه بنیان‌های جامعه را نشانه گرفته و نتیجه‌اش را هم که داریم می‌بینیم. باید دید این‌بار حرف جامعه‌شناس‌ها شنیده خواهد شد؟». در نهایت پیشنهاد داده شده: «اگر به دیدار مسئولان دولتی می‌روند به‌جای اینکه خودشان حرف بزنند، دست بزنند، آبدارچی یا مستخدم محل کارشان را بگیرند ببرند بگذارند حرف‌های کف جامعه را آنها بزنند». شاید باید رئیس‌جمهور روحانی به‌زودی به این پیشنهاد عمل کند و حداقل برای یادآوری امید چنین دیداری ترتیب دهد و وعده‌های انتخاباتی را که به‌گونه‌ای عملی شده یا نشده بیان کند؛ ساده، صمیمی و بدون نمایش.

روزنامه شتر

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۱۰ آبان ۱۳۹۷ • ۱۳ صفر ۱۴۴۰ • ۲۳ اکتبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۳۲۷۵ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۱:۴۹ • اذان مغرب ۱۷:۳۸ • اذان صبح فردا ۵:۴۵ • طلوع آفتاب ۶:۱۹

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

آنجل بولیگان



دیدگاه

ناتوان بودن قدر تمندترین

بولسونارو،کاندیدای ریاست‌جمهوری راست افراطی، را انتخاب کنند، به موجی از پوپولیسم ملی می‌پیوندند که تهدیدی برای نهادهای چندجانبه در جهان است.
باین‌حال، جهان‌گرایی و وطن‌پرستی مفاهیمی ناسازگار نیستند. دم‌زدن ترامپ از وطن‌پرستی هیچ هدف دیگری جز تظہیر کشورهای ملی‌گرایانه و بومی‌گرایانه خود او ندارد. تله‌های لفاظانه‌ای از این دست ممکن است کار ما را باز کند، اما واضح است که دولت ترامپ نگران حفظ ظاهر خود نیز هست. مثال‌های متعدد دیگری نیز وجود دارند.
از گردهم آورد، گرچه شاید دیگر نتوان به‌راحتی از اصطلاح «هربران جهان» استفاده کرد. رئیس‌جمهور یکی از قدرتمندترین کشورهای جهان روشن کرد که او هیچ علاقایی به درگیرشدن در حل مشکلات مشترک جهانی ندارد. متأسفانه او تنها نیست. برای ما که به همکاری‌های بین‌المللی به‌عنوان یک جزء لازم برای جهانی‌شدن اقتصاد اعتقاد داریم، جلسات مجمع عمومی چشم‌اندازی مبهم را به نمایش گذاشت، «منافع ملی» یاد می‌شود، بیش از هر زمان دیگری از زمان پایان جنگ سرد یکی از عوامل افزایش روابط بین‌الملل بوده، اما ظهور پوپولیسم ملی‌گرایانه بیشتر نتیجه شکاف‌های شکل‌گرفته است تا علت آن.
جهانی‌شدن نیز مانند هر فرایند اقتصادی‌ای، دارای یک بُعدتوزیعی است و به‌این‌ترتیب برای برخی گروه‌ها، ناامیدی و سرخوردگی ایجاد می‌کند. در مرکزیت طیف سیاسی در غرب این تمایل وجود دارد که تأثیر افزایش نابرابری در داخل کشورها دست‌کم گرفته شود و به‌جای آن به مزایای بازار آزاد و ادغام بازارها، مزایایی مانند کاهش بی‌سابقه و سریع فقر در جهان توجه شود. البته قابل درک است که همه با چنین استدلالی متقاعد نمی‌شوند. این فقط کالاها، خدمات و سرمایه نیست که در اقتصاد جهانی گردش پیدا می‌کند. ایده‌ها نیز در گردش هستند. بنابراین جهانی‌سازی نیز مانند دموکراسی، خود سبب آسیب‌پذیربودن خود می‌شود، زیرا مجموعه‌ای از ابزارها را که می‌توان از آنها برای تخریب خودش استفاده کرد، در اختیار مخالفانش قرار می‌دهد. ازاین‌رو، «ملی‌گرایی بین‌المللی» که از سوی دونالد ترامپ و دیگر همراهان ایدئولوژیک او ترویج می‌شود، موجی از اضطراب و بیگانگی به راه انداخته که (به شکلی کمابیش تناقض‌آمیز) نبردی برای جهانی‌سازی ساختن گفتمان ضدجهانی‌سازی برپا کرده است. ترامپ در نطقش در مجمع عمومی سازمان ملل متحد اظهار کرد که «ما ایدئولوژی جهانی‌شدن را رد می‌کنیم و ما از دکترین وطن‌پرستی حمایت می‌کنیم». او از کشورهای دیگری مانند لهستان که رهبران‌ش پیرو او هستند ستایش کرد. اگر برزیلی‌ها (در دور دوم انتخابات در ۲۸ اکتبر / ۶ آبان) ژائیر

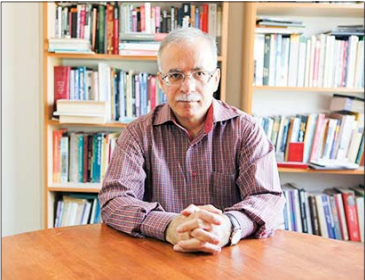
به‌تازگی اتاق بازرگانی استان تهران از اعضای خود نظرسنجی کرده و نتایج آن در جلسه هیئت نمایندگان اتاق از سوی محسن گودرزی ارائه شده است. در این نظرسنجی، ۶۰۰ نفر از اعضای اتاق محل پرسش قرار گرفته‌اند. در این مطالعه، بر اساس شاخص‌های مختلف، تصور از آینده، پیش‌بینی‌پذیری و احساس اثرگذاری بررسی شده‌اند.

نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهند اعضای اتاق در قبال آینده اقتصادی نگران بوده و وضعیت بخش خصوصی را در معرض تلاطم می‌دانند. ۷۹ درصد از پرسش‌شوندگان این تصور را دارند که وضع روندهای اقتصاد ایران در آینده بدتر می‌شود. نگرانی از آینده تنها در میان فعالان بخش خصوصی دیده نمی‌شود، بلکه مردم عادی نیز با همین نگرانی‌ها دست‌به‌گریبان هستند. نتایج نظرسنجی‌هایی که در ماه‌های اخیر از مؤسسات و سازمان‌های نظرسنجی منتشر شده است، نشان می‌دهد که عموم مردم چنین احساسی از آینده دارند. بخش دیگری از نتایج نظرسنجی نشان می‌دهد اعضای اتاق بازرگانی نمی‌توانند وضعیت عوامل اقتصادی را پیش‌بینی کنند. مردم عادی از کسانی که از اقتصاد سردرمی‌آورند سؤال می‌کنند که قیمت ارز بالا خواهد رفت یا ارزان می‌شود؛ این نظرسنجی نشان می‌دهد حتی فعالان اقتصادی هم پاسخ‌ی برای این سؤال ندارند. آنان برای بنگاه‌های اقتصادی خود چگونه می‌توانند برنامه‌ریزی کنند، درحالی‌که برآوردی از قیمت ارز و تغییرات آن در آینده ندارند. اکثریت اعضای اتاق احتمال نمی‌دادند قیمت ارز چنین جهشی داشته باشد. محسن گودرزی که این پژوهش زیر نظر او انجام شده است، خود این نکته را به پیش‌بینی‌ناپذیری تعبیر کرد و گفت: «اکثریت فعالان اقتصادی خود را در محیطی غیرقابل پیش‌بینی می‌بینند و برای همین قادر نیستند برای آینده بنگاه خود برنامه‌ریزی‌های بلندمدت کنند؛ زیرا از دید آنان اوضاع را نمی‌توان پیش‌بینی کرد».

نتیجه دیگر این نظرسنجی آن است که فعالان اقتصادی احساس می‌کنند نمی‌توانند بر این شرایط اثر بگذارند. آنها به‌عنوان فعالان اقتصادی احساس بی‌قدرتی می‌کنند و چون فکر می‌کنند به صورت نهادی و در قالب نهاد صفتی خود قادر نیستند بر سیاست‌های اقتصادی اثر بگذارند، به «سمت راه‌حل‌های فردی برای برون‌رفت از مشکلات خود پیش می‌روند»؛ راه‌حل‌هایی فردی که گاهی با تبانی با بوروکرات‌ها و استفاده از سازوکارهای اداری غیررسمی همراه است. همین باعث می‌شود بخش خصوصی خود را در جنبه قواعد دست‌وپاگیر اداری و کارکنان دستگاه‌های اداری احساس کند و به بخش خصوصی ترس‌خورده و منفعلی تبدیل

گزارش

نیاز زمانه؛ جست‌وجوی امید



شود که نمی‌تواند نقش مؤثری در توسعه‌ کشور ایفا کند. در گزارش نتایج نظرسنجی آمده است در این شرایط عاملیت آنها کاهش می‌یابد. گودرزی اشاره کرد: وقتی این سه عامل را کنار هم بگذاریم، یک تصویر کلی از وضعیت نگرش فعالان اقتصادی به دست می‌دهد؛ نگرانی از آینده، پیش‌بینی‌ناپذیری و احساس بی‌اثری. این شرایط باعث می‌شود بخش خصوصی احساس انفعال کند؛ بخشی که انتظار می‌رود در شرایط کنونی، نقش فعال‌تری نسبت به وضعیت داشته باشد. در زمان‌هایی که تحول یا تغییری در جامعه روی داده است، نخبگان فضای فکری متفاوتی داشته‌اند. آنها احساس می‌کردند می‌توانند آینده بهتری را رقم بزنند و توانایی آن را هم دارند؛ درحالی‌که نتایج نظرسنجی نشان می‌دهد فضای فکری آنان متفاوت است. چنین نتایجی نشان می‌دهد از کجا باید آغاز کرد. اکنون زمانی است که به امید بیش از هر زمان دیگری نیاز داریم؛ این را نتایج نظرسنجی نیز نشان می‌دهد.

گودرزی می‌گوید: «این اطلاعات را باید بر اساس «احساس زوال اجتماعی» تفسیر کرد». او پیش‌تر در سخنرانی خود نیز تأکید کرد بین «احساس زوال اجتماعی» و خود «زوال اجتماعی» باید تفاوت قائل شد و ادامه داد: «این احساس اثر واقعی دارد. منظور از این احساس، این است که افراد در قبال آینده نگران‌اند و فکر می‌کنند اعتماد و اخلاق در جامعه کم‌رنگ شده و تبعیض و فساد در حال گسترش است. «احساس زوال اجتماعی» یک چارچوب ادراکی است که افراد بر اساس آن به پدیده‌ها واکنش نشان می‌دهند. آنها ممکن است اتفاقاتی را که مؤید احساس است، برجسته‌تر ببینند و به آن واکنش جدی‌تری نشان دهند؛ ولی واقعیت‌های اتفاقاتی که از دید آنها مخالف این احساس است، کم‌رنگ‌تر و کم‌اهمیت شود».

این جامعه‌شناس در ارائه این تحلیل می‌گوید: «برداشت عمومی افراد و گروه‌های مختلف این است که جامعه در مسیر زوال اجتماعی قرار گرفته است و

قصه‌های شهر

گل آقای ملت ایران



اساسی، هم در بخش سیاسی و هم اجتماعی و هم فرهنگی جامعه می‌شود. از کش جامعه‌شناسان که با بیرون بکشمیم با گروه دیگری مواجه می‌شویم که می‌گویند علت این ماجرا چیزی نیست جز اینکه ما ایرانی‌ها روحیه کار جمعی نداریم و لاجرم هروقت پنج نفرمان برای کاری جمع بشویم، به سال نکشیده کارمان به اختلاف‌نظر می‌کشد و سباط همه دست‌آورد هایمان می‌رود روی هوا. بعد از آن تازه ماجرا شروع می‌شود که اصلا این کار از اساس خوب بود، بد بود، آدم‌های اهلسن چه‌کسی بودند، نامردهایش کجا رفتند، چه‌کسی برد، چه‌کسی خورد و قس علی هذا. همین هفته‌نامه گل‌آقا که هنوز فقط ۱۵ سال از توقف انتشارش گذشته و هنوز بخش اعظمی از اعضایش زنده و سلامت هستند، ده‌ها حرف ضدونقیض درباره‌اش گفته می‌شود و هرکس روایتی دیگرگونه از آن دارد و جعلیات بسیاری هم درباره مطالبش وجود

دور دنیا

شبح مایکل جکسون

متعدد زیبایی نسبت می‌دادند. اما واقعیتی که او بعدتر به آن اعتراف کرد این بود که به پیسی (برص، لک و پیس یا ویتیلیگو (Vitiligo) یک اختلال تولید رنگدانه) مبتلاست و اختلال دستگاه امنیتی پوستش را به آفتاب حساس کرده است. او راه مخفی‌کردن را آرایش بسیار می‌دانست. لاغری او هم به دلیل رژیم گیاه‌خواری‌اش بود و البته به دلیل استرس و زشتی هم کاهش یافت. آرام‌بخش‌ها و خواب‌آورها قوی راه مقابله‌اش با فشارهای مختلف عصبی بود. گری هیوم نقاش انگلیسی تصویری از او را خلق کرده که با بیماری به‌شدت درگیر بوده است. سبیدی بیمارگونه چهره آرایش‌کرده مایکل جکسون او را شبیه شبح کرده است.

چشم‌اندازی برای متوقف یا کندشدن چنین فرایندی نمی‌بیند». او تأکید می‌کند: «ممکن است میان احساس این فرایند با واقعیت موجود تفاوت وجود داشته باشد. برای مثال «عدم امنیت» الزاما به معنای «احساس عدم امنیت» نیست». او معتقد است: «خود همین احساس اثر و نیرویی واقعی دارد. به‌هرحال «زوال اجتماعی» چه احساس باشد و چه واقعیت داشته باشد، اثرات خود را بر رفتار افراد یا گروه‌ها می‌گذارد».

وقتی در جلسه ارائه نتایج نظرسنجی سؤال شده مقایسه نظرات اعضای اتاق تهران و افکار عمومی جامعه چه چیزی را نشان می‌دهد؟ گودرزی گفت: «به نظر می‌رسد تغییری کیفی در افکار عمومی روی داده است. نشانه‌ها از ظهور یک شهروند یا سوزه عاصی و پرسشگر حکایت می‌کنند. مردم از شرایط مختلف رضایت ندارند؛ از وضعیت اقتصادی ناراضی‌اند، از وضعیت اداره شهر، آموزش، وضعیت اجتماعی و خلاصه از بسیاری از چیزهایی که در زندگی روزانه با آن مواجه می‌شوند، رضایت ندارند. به دلیل دسترسی به اطلاعات و شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی، هم ناراضیاتی خود را بیان می‌کنند و هم شرایط اجتماعی را محل پرسش قرار می‌دهند. افراد مختلف در شبکه‌های اجتماعی نظرات و ارزیابی خود را درباره شرایط کشور بیان می‌کنند. گودرزی ادامه داد: «فضای مجازی و ازمان‌رفتن مرجعیت رسانه‌های فراگیر، زمینه‌های رشد رفتارهای هیجانی و گذرا را مساعد کرده است. روزانه اخبار زیادی منتشر می‌شود که بخشی از آنها دروغ است؛ ولی این اخبار ساختار روانی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل زمینه‌ها برای رشد رفتارهای جمعی یا collective behavior فراهم شده است. پدیده‌هایی مثل هراس جمعی مثلا در خرید ارز یا هجوم به فروشگاه‌ها دیده می‌شود».گودرزی پیش‌تر در تحلیلی از وضعیت همبستگی اجتماعی به این نکته اشاره کرده بود که بخش بزرگی از جامعه احساس می‌کند مسیری که اقتصاد کشور طی می‌کند، به نفع آنان نیست و فساد گسترده باعث شده نهادها و دستگاه‌های مختلف را در برابر خود احساس کنند. رشته‌هایی که فرد را به جامعه پیوند می‌زند، سست شده است. در گزارش نظرسنجی، راهکارهایی هم برای خروج از این وضعیت ارائه شده است. گودرزی در این جلسه اشاره کرد: «راه‌حل در جیب این یا آن فرد و گروه نیست، بلکه راه‌حل ساختن فرهادی که به‌خاطر پژوهش‌هایش در زمینه است، رویه‌هایی را نشان می‌دهند که در آنها چگونه اقتصاددانان مطرح کشور می‌توانند راه‌هایی را برای بهبود وضعیت جامعه در پیش گیرند.

دارد. این یعنی علاوه‌بر اینکه نهاد و نشریه مستقل پایدار کم داریم، به تاریخ‌نگاری مکتوب و مستند هم شکرگذاری نداریم؛ اما اساسا گروهی هم هستند که می‌گویند این حرف‌ها را که گفتی خودمان هم می‌دانستیم. چاره کار چیست؟ استاد بزرگواری داشتیم در زمان دانشجویی که قسّمش برای درس خواندن ما دانشجویهای مات و متحیر این بود: «به‌خاطر عطر نان گندم درس بخوانید». مرتضی فرهادی که به‌خاطر پژوهش‌هایش در زمینه مردم‌شناسی معروف است و کتاب ارزشمند «فرهنگ یاریگری در ایران» را نوشته، اعتقاد داشت که اتفاقا مردم ایران اهل کار دسته‌جمعی هستند و شاهد مثالش را هم ده‌ها نمونه از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی سنتی بین مردمان روستایی ایران می‌آورد. من در برابر حرف حق ایشان کاملا تسلیم. فقط گمان می‌کنم مشکل ما این است که با همان روحیه جمعی قبیله‌ای وارد زندگی شهری شده‌ایم، لاجرم نۀ‌تها مفاهیمی مثل هدف و منافع شهری و کشوری برآیمان بی‌معنی است، بلکه کلا قبیله‌هایمان را هم محدود به اعضای خانواده‌همان کرده‌ایم و در نتیجه به آهنگ خوش «هرکی به فکر خویشه» مشغول گذران عمر هستیم. در سالگرد انتشار گل‌آقا یاد مرحوم گل‌آقا بخیر که چقدر تلاش می‌کرد عنوان «گل‌آقای ملت ایران» را جا بیندازد. آن هم به این دلیل که حس ملت‌بودن را بنیمان ایجاد کند.

